

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الَّذِينَ أَصْطَفَى  
 و بعد این حقیر کثیر التصیر بر حسب خویش مکرر عده ای از علاقمندان دینی در باره این کتاب  
 تحفه الهدیة، که لاجنات باین تحفه الشیعة و هدایة الانام  
 و مسائل الشریعه که مطالب اینها از اولکان اعتقادات امامیه مذہب است  
 تقبل نمودم و باین موہبت کبری از خداوند منان شکر گزارم، و اینمقدمه را عنوان  
 نمودم از غنط مطالب کتاب و ترجمہ حال مؤلف بطور مختصر شاید بدون  
 استفادہ نباشد.

بفاد حدیث معتبر من مات ولم یعرف امام زمانه فمدامت میتة  
 الجاهلیة یعنی کسی بمیرد و امام زمان خود را نشاند پس تحقیق مرده مانند مردگان  
 زمان جاہلیت زیرا کہ امام زمان خود را شناخته و ندانستہ کہ بسبب وجود امام بچین  
 و آسمان برقرار است و برکت وجود امام مخلوقات روزی میرسد (۱) و نیز در  
 حدیث معتبر است کہ اگر وجود امام نباشد زمین اہل خود را فرو میبرد  
 در غریمت طبع این کتاب کہ در تہران بودم بحضور مبارک فخر المحدثین جناب آقای دکتر  
 محدث طول اللہ عمرہ الشریف شرفیاب شدم و در باره طبع مذکرہ نمودم خلی شریف و  
 ترغیب فرمودند، و فرمودند کہ این کتاب با سایر تالیفات مؤلف ما تہ فرق جہل  
 دین بافروع است مخصوصاً ہدایة الانام کہ اکثر روایات آن از کتاب دارالسلام  
 محدث نوری است صاحب (مستدرک)، علیہ السلام مقامہ.

سید بزگوار سید حسن صدر مؤلف تائیس الشیعه در مدح کتاب دارالسلام شام  
 خود محمدش نوری علی الله تعالی در او اخر کتاب بیضا الوعاة خنده طربیان فرموده اند که عین عبارت  
 را پس از مراجعت برضایت معظم له کتبا بحقیق ارسال فرمودند برای زینت بخشی مقدمه دو  
 سطر آن اینک بنظر خواننده گان گرامی میرسد .

دو کتاب دارالسلام فی الترویاء والنام الخبز الاول منه فی المناک الثمنا  
 علی العاجز والکرامات للائمة الهداة واستطرف فيه ترجمه جمله من  
 العلماء والسادات فیمالا یوجد فی غیره من المصولات لم یبقه الیه مثله سابقا  
 تا اینکه گفته ولو کان هذا الكتاب من مصنفات العلامة المجلسی لکان  
 احسن کتبه او کان من مؤلفات السید رضی الدین ابن طاوس لکان افضل  
 مؤلفاته « تا آخر معنی عبارت از جمله (ولو کان الی مؤلفاته) ؛ یعنی اگر این  
 کتاب از مصنفات علامه مجلسی میبود هر آینه بهترین کتاب های اومیشه یا از  
 مؤلفات سید بزرگوار علی بن طاوس میبود هر آینه نفیس ترین و دیمت ترین مؤلفات  
 او بشمار میرفت .

جناب آقای دکتر محمدش علت محجول بودن قدر و منزلت کتاب دارالسلام را از  
 بیانات سید بزرگوار کلاما مرقوم فرموده بودند ما باین مقدار اکتفا نمودیم  
 و نیز راجع تبرغیب طبع کتاب تحفة الهدیه و هدایة الانام اضا فرمود  
 بودند که این کتاب (هدایة الانام) خلاصه و چسبیده و ترجمه لغات مطالب کتاب  
 دارالسلام است بزبان فارسی که نوع مردم بزبان عربی آشنایند که از آن کتاب  
 استفاده کنند لیکن از هدایة الانام عموم مردم استفاده نمیکنند پس چه ارزشی داشت  
 و قدر و منزلتی خواهد داشت ؟ و اما مسالک الشیعه که در ترجمه کتاب سیر و سلوک و  
 اعتقادات مرحوم مجلسی رضوان الله علیه است که خلاصه معارف شیعه و محصل مطالب نامه  
 دوره بحار الانوار است و نهی است که چه منزلتی خواهد داشت .

و اما کتاب تحفة الهدیة و تحفة الشيعة که مربوط به احوالات حضرت و آن  
عصر ارواحفاده و اثبات رجعت ائمه علیهم السلام مستغنی از تعریف است و بزرگ  
مطالع عظمت این قیمت تألیفات و تصنیفات علای اعلام معلوم است (۱)

« نام و نسب و تولد »

نام مبارکش از نام نامی و اسم گرامی جد بزرگوارش حسین بن علی ارواحفاده بمنون  
آمده است آقای سید حسین الشهبان به عرب باغی فرزند مرحوم آقای سید  
نصرت الله ابن صادق الموسوی الحسینی انا الله برمانه میباشد .

این سید و الامتعام اصلاً از سادات گلپایگان بوده سابقاً اجداد گرامی این بزرگوار زمان  
نموده و در ارومیه در رضائیه سکونت اختیار کرده اند .

نسب و شجره این بزرگوار منتهی میشود به باب الموائج الاله تعالی ابو الحسن موسی بن  
جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی ابن ابیطالب علیه و علیهم فضل صلوة و سلام  
و الثناء و الاکرام و درابتداء منتهی تا لیفاتش با این نسب تصریح میفرماید .

در سال یک هزار و دو سیت و نود و چهار قمری = ۱۲۵۴ شمسی در فرید سید لو یک فرسخی شهر  
رضائیه از مادر متولد شده پس از طی دوران صباوت و کودکی از فریغ نامبرده بشهر قزوین  
مهاجرت نموده و در کفالت عموی بزرگوارش آقای حاج سید حسن مرحوم که از تجار و سرد  
شهر بود سیت نموده آن زمان والد ماجدش بعالم بقا حلت کرده بود و این حاج سید حسین  
اولاد نداشت ، این بزرگوار وارث وی بود . و در همین ایام در مسجد جامع رضائیه  
که از بناهای تاریخی قبل از اسلام است تحصیل علوم دینی و مقدمات عربیه از صرف و نحو

۱، در ترجمه الحال مؤلف کتاب ، یک جلد بقطع و زیری در سال ۱۳۳۰ بقلم حقیر  
طبع و در شهرستانها انتشار یافته . نسخه کمی موجود مانده . از خوانندگان گرامی خواه  
مایل باشد می تواند دستی یا سفارشی تهیه نمایند (بنا بر وجه اختصار اکتفا می کنیم .

و سلق و معانی و بیان گردیده سپس از وطن اصلی خود بفرخوی که از جمله بلاد آذربایجانست  
 مهاجرت نموده مشغول تحصیل و تدریس بوده ، بعد در تاریخ ۱۳۱۴ قمری عازم عقبه بوسی  
 حضرت شامن الحجج علی بن موسی الرضا گردیده صلوات الله علیه و علی آباءه الطاهرین ، و باین  
 مقصد حرکت نموده مدت هشت سال در ساحت سینه حضرت ثامن الائمه تکمیل معارف  
 حقّه پرورده و در خدمت اساتید بزرگی همچون آیة الله رشیدی کج علوم پرورده و در  
 سال ۱۳۲۳ هجری از مشهد مقدس بعقبات عالیات مسافرت نموده و در حضرت اب  
 مدینه علم نبی حضرت امیر المؤمنین و در نجف تکمیل علوم متداوله پرورده ، در طی مراتب علوم  
 و اتباط احکام الهی و اخبار حضرات ائمه علیهم السلام بدرجه طراز اول اجتهاد نائل  
 گشته و در این قسمت مرجع تقلید باخذ علمای اعلام و مجتهدین عالم اسلام باین  
 بلندترین رتبه فائز شده است . ( نام استادان این بزرگوار )

از جمله اساتید و شیخ این فقیه سعادت آیة الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی  
 صاحب عرف و حضرت آیة الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفا  
 و آیة الله ترشیزی و آیة الله آقاه سید محسن کوه کمری و آیة الله تبریزی  
 اصفهانی و آیة الله آقاه میرزا محمد علی نجفی و آیة الله آقای سید علی  
 داماد ، اعلی الله مقامهم .

از بکرت جودت ذریه و استعداد فوق العاده که داشت لطف ایزدی شامل گشته  
 در اندک زمان یگانه فقیه عصر خود گردیده و بهنگام خود برتری یافت  
 در زمان معین بودن در نجف اشرف چندین جلد کتاب در فقه و اصول و علم حدیث  
 بزبان عربی تألیف نمود که تقریظها از علمای اعلام در آنها مندرج است  
 ( نام کتب و تقریظات علمای اعلام در دسترس شرح حال مؤلف ضبط شده  
 اینجا مراعات اختصار است ) .

وَالشُّمُسُ تَجْرِي لِسُقْرِيهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ در سال ۱۳۲۲ هجری  
 از نجف اشرف بطن اصلی خود مراجعت فرموده و تصدیقاتی را که پس از ورود بنا  
 نموده تفصیل همه آنها در دفتر ترجمه الحال مشروح است و در تاریخ ۱۳۳۲ قمری  
 در اثر انقلابات خونین و تحمل ناپذیر از حد افزون که در بین فجاج یک تاریخ نگشت  
 نامت بشهر مراغه هجرت نموده و پرواضح است که در این اوقات اوضاع  
 آذربایجان بالخصوص شهر رضایه و نخراش و اسفناک بود که مجال ذکر آن نیست  
 این بزرگوار از مشاهده این اوضاع خیلی متأثر و اندوگین بوده و سه سواره  
 بر بستین نفرین میکرد.

الحاصل در شهر مراغه بترویج دین اسلام و نشر حقایق مذہبی ساعی و اشتغال کاملی  
 داشت. در مجالس عمومی و خصوصی امر بسؤال مسئله میفرمود و مورد تکریم و تعظیم طراز  
 اول علمای شهر مراغه بود مانند آقای حاج شیخ موسی و آقای حاج شیخ محمد حسین اعلیٰ تهرانی  
 و در تاریخ ۱۳۴۲ هجری بواسطه دعوت اهل محترم شهر قزوین  
 با تقاضای های مضرانه و نامه های پی در پی مجدداً بطن مألوف و مسقط الرأس خویش  
 عودت فرمود و بر تدریس علوم دینی و نشر احکام تئید السلین و باز بر تصنیفات  
 و تالیفات نفیسه و خدمات جسته اشتغال ورزید و از خود باقیات صالحات  
 بیاوگار گذاشت که از آن جمله است

تأسیس مرخصانه شیر و خورشید رضایه و تعمیر مسجد جامع شرکه از آثار بار  
 و شعائر مذہبی و منافع ملی ایران بشمار میرود (این مسجد از بناهای تاریخی  
 قبل از اسلام است) و تعمیر سایر مساجد رضایه - زیارتگاههای مسلمین ،  
 امازاده کبکلو و ایجاد پل شرچائی و احداث قبرستان وسیع مجتهد باغستان

واقامت نماز جمعه که از گذشته اسلامی بود و از جمله سیایات اسلام و سبب اجتناب مسلمانان و تحریک بر تقوی و نیکوکاری و مبارزه با بیدینی و اطلاع از حال پیشین است بیاز رحمت کشیده و این نماز را بغیر از مسجد جامع رضائیه که خود آنرا حرم اقامت نمودند در حدود و نواحی شیرینزوبانی گماشته این شاعر بزرگ اسلامی در تمام حدود و نواحی اقامت میشد .

فقید سعید در کلیه اصلاحات اجتماعی و در راه ترویج افکار عمومی و مبارزه با دستگاہهای فساد مجاهد و فد اکاری غیر مبی داشت ، دارای دو جنبه بود یعنی هم در علوم شرعیه یگانه قصبه عصر بود بآدله و فلسفه آن حکما و محققان و قف موضوعیکه عزیت او را به همگنان ثابت نماید احاطه او بود بیات اسلام و فلسفه احکام و هم بعلم مدینه دان بود که حقوق ملت و اساس دولت و رابطه آنها را با یکدیگر کاملاً در تالیفاتش شرح و بخش امور کشوری را یک یک تفصیل داده از صنعت و تجارت و غیره .

بلی ایرانی ، سواره بود چنین مرد بزرگ نه تنها در وطن خود بلکه در اغلب ممالک اسلامی افشار باید کرد و نام او را در ردیف نوابغ بی نظیر باید ثبت نماید زیرا که اینگونه مردان نامور و همواره از منافع ایران ششده خواهد شد .

گر بگویم خدمت شایان او  
بچرخ آرزو مقطع و پایان مجو

« در مرتب علمی این مرد ربانی »

عالم بعلم تفسیر و علم جلال استاد در علم فقه و حدیث ( مخصوصاً در علم حدیث بسطید غیر مبی داشت که مؤلفاتش نیز نمونید همین است در نشر احادیث اهل بیت سعی بلیغ و مهمت بنظیری داشت که در این راه گوی سبقت از همگنان ربود )

و مستبوع در فلسفه احکام و بصیر بر علم تاریخ و عارف بیایات دنیا ، دانا  
 بمقتضیات عصر ، علم اهل زبان ، فکر عمیق و هنرمند و دقیق داشت و مسلط بر علم اصول  
 که مستقلاً کتابی بنام (صراط المستقیم) در بنیای علم اصول و لب آن نوشته  
 لکن بزرگترین آرزوی این فقید سعید همانا نشر و اجلا احادیث اهل بیت علیهم السلام  
 بود که باینکار علاقه فوق العاده ای داشت .

### در فضائل و کمالات ایشان از ابن سینا القدا

با متفلس اخلاق حسن خود مسلمانان را تربیت و بشا همراه سعادت علم و عمل هدایت  
 میفرمود ، با آداب و رسوم شرع مانوس و با اقدام اجداد بزرگوارانش پیوسته بود  
 و باندشتن سرمایه از مال دنیا فقط بازبان شیرین و تسلیم فصیح و فهم سیاسی چپا ،  
 مذهب می نمود ، در تعوی و حسن خلق و زهد در دنیا و بی نیازی از خلق و صبر در مصائب  
 و آلام یگانه عصر حاضر بود بطوریکه در دوره آن بزرگوار کمر کوف و نظیرش پیدا شد  
 نهایت درجه ساده و بی آرایش زینت و در قناعت بیانند بود .

از زائرین ثقات عبات نقل است که در نجف اشرف مقرری که باین بزرگوار ارسانا  
 میشد نصف آنرا بطلب پریشان قسمت می نمود و در بعضی اوقات باروزی دوشاهی  
 دوغ و یک قرص نان بزرنگامی خود ادامه میداد ، و از لسان گمبارش مردم  
 رضائیه بکرات شنیده اند که میفرمود طلب علم به تن پروری و عیاشی نمی شود  
 محصلیکه میخواهد چیزی بفهمد باید عشرت تحمل نماید و بمشکلات مقاومت  
 داشته باشد الحاصل با عمل بجامعه درس میداد .

### تاریخ وفاتش

صبح روز جمعه چهاردهم آرمضان المبارک سال ۱۳۲۹ هجری مطابق بنهم

تیرا ۱۳۲۹ شمسی در سن هفتاد و پنج سالگی در شهر رضایه منزل خود دارفانی را  
وداع نمود و بسرای جاودانی شافت و ستوب مومنین و مسلمین را از این مصیبت  
بانه دست آنچه عظیمه جریحه دار ساخت .

شکاف بزرگی بر عالم اسلام وارد گردید . در روز وفات تشیع جنازه این مرد عظیم  
الشان ، از سکنه رضایه صنف علمای اسلامی و طبقات روحانی مذاب  
مختلفه از یهود و نصاری و افراد شکری و کسوری ، افسران و درجه داران محترم  
اعظم از اعیان و اشراف مالکین و کشا و زرزان ، تجار و اصناف ، کارگران  
و غیره و پسر و جوان حتی نوبا و گان معصوم از عقب جنازه شرفش قدم زبانه  
و اشک ریزان و نوحه گمان میرفتند .

با احساسات قلبی و کمال تاثیر این تیه خلیل و جبرئیل یعنی ذریه حضرت ابراهیم  
خلیل ، گنج علوم ربانی ، صندوق جواهر علم و دانش نبوی را بدل خاک  
تیره نهان ساختند .

مانند روز عاشورا تعطیل و فردای همین روز همچنین مغازه ها و بازار بطوریکه  
در دفترچه شرح حال مطبوع مذکور است بسته بود

اکنون نزار شرفش دارای صحن وسیع و بقعه محبتی ، و صاحب کرامات و

لمجا پناهندگان و زیارتگاه مسلمین است نورالله مضجعه ، الاحقر حصیری  
حرم سید محمد بن عباس الهینی الریاضی الزینجا تیرا ۱۳۴۷ ش مطابق ۱۳۸۸ م